

مطالعه تطبیقی تأثیر نقش زن در شاهنامه‌های بایسنقری، شاهنامه مغولی و شاه طهماسب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

کد مقاله: ۸۹۴۰۳

فاطمه موحدنیا^۱، عاطفه گروسی^۲

چکیده

ادبیات هر قوم و نژادی، بیانگر نگرش آنان نسبت به شخصیت‌ها و مقوله‌های فردی و اجتماعی است. ادبیات داستانی یکی از شاخه‌های مهم ادبیات در ایران است که مطالعه آن نقش مهمی در بازشناسی عناصر و دیدگاههای فرهنگی دارد. شخصیت‌های داستانی از طریق انتساب خصیصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی در یک متن ادبی معرفی می‌شوند. در این بین، دیدگاههای متفاوتی نسبت به شخصیت زنان در روایات داستانی و شعری ادبیات کهن ایران دیده می‌شود. در پژوهش حاضر، حضور و جایگاه زنان در نگاره‌های سه نسخه برجسته شاهنامه (نسخه مغولی شاهنامه دوره ایلخانی، نسخه بایسنقری دوره تیموری و نسخه شاهطهماسب دوره صفوی) به‌طور تطبیقی بررسی شده است. این مقاله نوع بازنمایی زنان در این نگاره‌ها را از جنبه‌های ترکیب‌بندی صحنه‌ها، پوشش، ژست‌ها و نقش نمادین یا روایی آنان مورد مطالعه قرار می‌دهد. تحولات نگرش هنرمندان نسبت به نقش زنان از عهد ایلخانی تا دوره صفوی مورد توجه بوده و به این منظور زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و هنری هر دوره و تأثیر آن‌ها بر تصویر زن در نگاره‌ها نیز مد نظر قرار گرفته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در نسخه مغولی شاهنامه، زنان عمدتاً در موقعیت‌های محدود حضور یافته و معمولاً به‌عنوان عناصر پشتیبان روایت‌های مردانه تصویر شده‌اند. اما در نگاره‌های نسخه بایسنقری، زنان حضوری فعال‌تر یافته و در ترکیب‌بندی نقش برجسته‌ای دارند؛ برخی از تصاویر جلوه‌های نمادین خاصی از زنان را نشان می‌دهند. در نسخه شاهطهماسب، بازنمایی زنان به‌گونه‌ای ایده‌آل‌شده و با تأکید بر زیبایی‌شناسی دوره صفوی ترسیم شده است که بیانگر تحولات اجتماعی و سلیقه‌های هنری آن دوره است. مطالعه تطبیقی این سه نسخه روند تحولات تصویر زن در نگارگری ایرانی در اعصار مختلف تاریخی را روشن می‌سازد.

واژگان کلیدی: زن، شاهنامه، نگارگری، ایران، ساختارگرایی

۱- دانشجوی کارشناسی رشته نقاشی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده هنر و معماری صبا، کرمان، ایران F.Movahednia@uk.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران a.garoossi@ac.ir

شاهنامه، به عنوان بزرگ‌ترین حماسه منظوم فارسی و یکی از ستون‌های اصلی هویت فرهنگی ایران، همواره محملی برای بازتاب ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اجتماعی دوره‌های مختلف تاریخی بوده است (فلاح، ۲۰۰۷). در میان شخصیت‌های اسطوره‌ای، پهلوانی و تاریخی شاهنامه، زنان نیز جایگاهی خاص دارند؛ گاه به‌عنوان مادران پهلوانان، گاه به‌عنوان همسران، و گاه خود به‌عنوان شخصیت‌هایی فعال در مسیر رویدادهای کلان داستانی. با این حال، آنچه که کمتر مورد توجه قرار گرفته، نحوه بازنمایی نقش زن در نسخه‌های مختلف شاهنامه است که در مکاتب هنری گوناگون مانند مکتب هرات (شاهنامه بایسنقری)، مکتب تبریز (شاهنامه مغولی)، و مکتب صفوی (شاهنامه طهماسبی) به تصویر کشیده شده‌اند. مطالعه ما نه تنها تحلیل نقش زنان در روایت‌های حماسی شاهنامه، بلکه شناخت لایه‌های پنهان نگرش جامعه به زن در بستر تاریخ هنر و ادبیات ایران است. پرسش اصلی این است که حضور زن در دوره‌های مختلف چه تأثیری روی نگاره‌های شاهنامه‌ها داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش با نگاهی تطبیقی، نقش زن را در متون و تصویرسازی‌های این شاهنامه‌ها بررسی می‌کنیم و تأثیر شرایط فرهنگی، سیاسی و مذهبی هر دوره را در بازنمایی زن بازنمایی می‌کنیم. این پژوهش علاوه بر تحلیل هنری و تاریخی نگاره‌ها، به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این آثار بر تصویرسازی زنان نیز خواهد پرداخت. در نتیجه، این مقاله به درک بهتری از جایگاه زنان در تاریخ هنر ایرانی و نحوه تغییر نگرش به آن‌ها در گذر زمان خواهد انجامید. با تحلیل این نگاره‌ها، می‌توان به شواهدی دست یافت که نشان‌دهنده تغییرات تدریجی در جایگاه و نقش زنان در جامعه ایرانی و نحوه بازنمایی این تغییرات در هنر مینیاتور ایرانی است. از این‌رو، این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک گام مهم در بررسی ارتباط هنر و جامعه در تاریخ ایران و تحولات هنری آن محسوب شود. در بررسی پژوهش‌های انجام شده، نقش و جایگاه زنان در متون حماسی، به‌ویژه در شاهنامه فردوسی و نسخه‌های مصور آن، یکی از حوزه‌های مورد توجه پژوهشگران ادبیات فارسی، هنر اسلامی و مطالعات جنسیت بوده است. از جمله این پژوهش‌ها تحت عنوان بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی (یکتا et al., 2014)، خاتون‌های شاهنامه بزرگ مغولی: تحلیل نقش و جایگاه زنان با رویکرد بازتاب (شهراد، ۲۰۱۴)، بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی بر اساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت‌اورنگ جامی (فر et al., 2014)، تبیین جایگاه زن در روایت‌های ازدواج شاهنامه تهماسبی با تکیه بر تحلیل بینامتنیت متن و نگاره (دوستی et al., 2022) اشاره کرد. لیکن در این پژوهش سعی خواهد شد با رویکردی جدید و تحلیلی-تطبیقی به این موضوع پرداخته شود. نحوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای-اینترنتی بوده است و پس از دسته‌بندی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. پژوهشگر می‌کوشد به مقایسه تأثیر حضور زن در شاهنامه‌ها و بازه زمانی‌های مختلف بپردازد. در ابتدا به طور خلاصه مبانی نظری مطرح شده و سپس با انتخاب منتخب آثار از نگارهای شاهنامه‌ها از نظر اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- تحلیل و تأثیر جایگاه زن در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری

در شاهنامه بایسنقری، زنان عمدتاً در موقعیت‌های سنتی و خانوادگی به تصویر کشیده می‌شوند. این تصویرسازی‌ها از زنان بیشتر بر جنبه‌های ظاهری و زیبایی‌شناسی بجای نقش‌های فعال اجتماعی یا سیاسی آن‌ها تأکید دارند (احمدی et al., 2012). جایگاه زن در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری، با وجود محدودیت‌های هنری و فرهنگی زمان، نشان‌دهنده توجه به زنان و نقش‌های متنوع آن‌ها در داستان‌های حماسی است. نگاره‌های شاهنامه، به‌ویژه در نگاره‌هایی مانند "زال و رودابه" و "دیدار اردشیر و گلنار"، به زنان جایگاهی فراتر از نقش‌های سنتی می‌بخشند و آن‌ها را به عنوان شخصیت‌هایی مستقل و تأثیرگذار در داستان‌ها به تصویر می‌کشند. در بسیاری از نگاره‌ها، زنان در کنار شخصیت‌های مرد، اغلب به‌عنوان مادر، همسر یا معشوقه مردان حماسه‌ساز حضور دارند و در بیشتر موارد، حضورشان در فضاهای خصوصی و خانوادگی محدود است. این تصویرسازی‌ها نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی زنان در آن دوره است، که بیشتر در حیطه‌های خانه‌داری، تربیت فرزند و ایفای نقش‌های حمایتی در کنار مردان به‌عنوان حامیان عاطفی و اجتماعی ظاهر می‌شوند.

۲-۲- ویژگی‌های هنری تصویرسازی زنان در

نگاره‌های شاهنامه بایسنقری

تأکید بر زیبایی‌شناسی و جزئیات ظاهری در این نگاره‌ها، هنرمندان بیشتر بر زیبایی‌های ظاهری زنان تمرکز دارند. زنان در این تصاویر معمولاً با چهره‌های نرم، لباس‌های زیبا و جزئیات دقیق در لباس‌ها و زینت‌آلات به تصویر کشیده می‌شوند.



تصویر ۱- داستان عاشقانه اردشیر ساسانی و گلنار، شاهنامه بایسنقری، مکتب هرات‌ماخذ: (فردوسی، ۱۳۸۹: ۳۶۱)

این امر به نوعی نشانه‌گذار تصویری است که در آن زنان به‌عنوان نمادهای زیبایی و جاذبه‌های ظاهری در کنار شخصیت‌های مردانه و حماسی قرار دارند.

بایسنقر میرزا					
					
تاج کلاه با روسری سفید	کلاه کوچک با دستار	روسری بلند حریر	تاج کلاه با لبه دوزنقهای و قبه میانی به رنگ سبز	روسری سفید و منقش	تاج با پنج شاخه کشیده مزین به جواهر و روسری

سلطان حسین باقرا			
			
روسری سه‌گوش رنگی با دنباله رنگی	تاج کلاه با پایه پرده و دنباله‌ای برگ گونه	روسری سه‌گوش کوتاه با حرق چین	سریند سفید

تصویر ۲- دیتیل از نگاره‌های سرپوش بانوان در دوره تیموری (مأخذ نگارنده) (شاهنامه بایسنقری)



تصویر ۳- نگاره زال و رودابه (شاهنامه بایسنقری). دوره تیموری، مکتب هرات، مأخذ: فردوسی (سده چهارم و پنجم ه.ق) (ص ۶۹)



تصویر ۴- دیدار زال و رودابه، شاهنامه بایسنقری، مکتب هرات، [۳۱ ص ۶۹]

محدودیت در نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان در این نگاره‌ها به‌طور عمده به‌عنوان شخصیت‌های منفعل و حامی در کنار شخصیت‌های مردانه قرار می‌گیرند. آن‌ها در جنگ‌ها یا رویدادهای حماسی شرکت نمی‌کنند و بیشتر در فضاهای داخلی، مانند قصر یا خانه، به تصویر کشیده می‌شوند. این محدودیت‌ها ممکن است بازتاب‌دهنده نگرش آن دوران به زنان و نقش‌های اجتماعی‌شان باشد که در بیشتر مواقع در حیطه خانواده و امور خصوصی محدود شده‌اند.

نقش زنان در نقش‌های مادری و همسری یکی از ویژگی‌های بارز نگاره‌های شاهنامه بایسنقری این است که زنان اغلب در نقش‌های مادری و همسری حضور دارند. در بسیاری از نگاره‌ها، زنان به‌عنوان مادرانی دلسوز و همسرانی وفادار در کنار مردان حماسه‌ساز و قهرمانان قرار دارند. این نقش‌ها بیشتر در قالب حمایت از مردان و تربیت نسل جدید از قهرمانان شاهنامه دیده می‌شود (خراسانی et al., 2024). زنان در این آثار، به‌عنوان ستون‌های خانواده و حامیان عاطفی و روحی مردان برجسته شده‌اند.

۲-۳- تأثیرات اجتماعی و فرهنگی جایگاه زنان در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری

بازتاب محدودیت‌های اجتماعی زنان در دوره تیموری نگاره‌های شاهنامه بایسنقری نمایانگر موقعیت اجتماعی زنان در دوره تیموری هستند که در آن، زنان بیشتر در داخل خانه و در حوزه‌های خصوصی زندگی می‌کردند و حضور اجتماعی آن‌ها در عرصه‌های عمومی محدود بود (رضانژاد یزدی et al., 2017). این موضوع به‌ویژه در نگاره‌هایی که زنان در نقش‌های خانوادگی به تصویر کشیده می‌شوند، مشهود است.



تصویر ۵-نگاره ی حرمسرای سلطان حسین بایقرا، دیوان امیر خسرو دهلوی، هرات، قرن نهم (سودآور، ۱۳۸۰: ۹۰)



تصویر ۶-نوازندگی بانوی چنگناز در جشن تاجگذاری اردشیر دوم [۲۷، ص ۳۴۲]



تصویر ۷- آگاهی یافتن سیندخت از کار رودابه، شاهنامه مغولی، دوره ایلخانی، مکتب تبریز اول، (نیمه اول قرن چهارده میلادی)، (ص ۱۸۶) گالری فریر، موسسه اسمیتسونین، واشنگتن دی سی

این تغییرات نه تنها در سبک و تکنیک‌های هنری بلکه در نحوه نمایش نقش‌های اجتماعی و فرهنگی زنان نیز تأثیرگذار بود. در نگاره‌های شاهنامه مغولی، زنان گاهی در نقش‌های مستقل و فعال‌تر، به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، حضور دارند. این تحول در نحوه تصویرسازی زنان می‌تواند به‌عنوان بازتابی از تغییرات سیاسی و فرهنگی ناشی از ورود مغولان به ایران و تأسیس حکومت ایلخانان در نظر گرفته شود (ولادیمیر، ۱۳۶۵).

در دوره مغولی، به‌ویژه تحت سلطنت هولاکو و جانشینانش، ایران شاهد یک تحول اجتماعی بزرگ بود که بر تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله جایگاه زنان، تأثیر گذاشت. در یک نگاه کلی، به مرور زمان و با امتزاج تدریجی قبایل ترک و مغول در

تحول هنری و فرهنگی در نمایش زنان در این دوره، با وجود محدودیت‌های اجتماعی زنان، هنر مینیاتور به‌ویژه در شاهنامه بایسنقری، به‌طور عمده به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و ظاهری زنان پرداخته است (شیران (et al., 2020).

این نشان‌دهنده نوعی تعامل میان هنر و جامعه است که در آن، زنان به‌عنوان نمادهایی از زیبایی و نجابت به تصویر کشیده می‌شوند، اما در عین حال، این تصویرسازی‌ها نمی‌توانند نقش واقعی و پیچیده زنان در جامعه آن دوره را به‌طور کامل نشان دهند.

چشم‌انداز ایدئولوژیک و اجتماعی در شاهنامه‌های تیموری در دوره تیموری، همچنان که در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری مشهود است، بیشتر توجه به فضای هنری و زیبایی‌شناسی متمرکز است تا بر نقش‌های اجتماعی و سیاسی زنان. این امر نشان‌دهنده چالش‌های اجتماعی و فرهنگی است که بر پایه آن، زنان به‌طور عمده در حوزه‌های داخلی و خانوادگی قرار دارند و از نمایش فعال در عرصه‌های عمومی و اجتماعی دور نگه‌داشته می‌شوند.

۲-۴- تحلیل و تأثیر جایگاه زن در نگاره‌های شاهنامه مغولی

دوره مغولی، به‌ویژه در دوران سلطنت ایلخانان، یکی از دوره‌های پر تحولی در تاریخ هنر ایران است. این دوره نه تنها شاهد تغییرات سیاسی و اجتماعی عمده‌ای بود، بلکه هنر ایرانی نیز در این دوران دستخوش تغییرات قابل توجهی شد. یکی از مهم‌ترین تغییرات هنری در این دوران، به‌ویژه در هنر مینیاتور، شیوه‌های نوین تصویرسازی شخصیت‌های شاهنامه فردوسی است که به‌طور ویژه در نگاره‌های شاهنامه مغولی خود را نشان می‌دهند (شهراد، ۲۰۱۴). در این آثار، علاوه بر ویژگی‌های سنتی هنر تیموری، شاهد نوآوری‌هایی در نحوه به تصویر کشیدن شخصیت‌ها، به‌ویژه زنان، هستیم که بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و فرهنگی این دوره هستند. در مقایسه با نگاره‌های شاهنامه بایسنقری، که در آن‌ها زنان عمدتاً در نقش‌های حمایتی و خانوادگی به تصویر کشیده می‌شدند، در نگاره‌های شاهنامه مغولی تغییرات عمده‌ای در نحوه نمایش زنان مشاهده می‌شود.

بطن فرهنگ و تاریخ ایران از قرن سوم هجری به بعد، به تدریج به میزان و شدت نفوذ زنان در تاریخ سیاسی ایران افزوده شده است. این نفوذ، به طور خاص، در حکومت های ترک نژاد مقارن عصر مغول بیشتر است؛ چنانکه در تاریخ ایران بعد از اسلام معروفترین زنی که در حکومت نقش مؤثری بر عهده داشته و مدت کوتاهی نیز فرمانروایی کرده است، "ترکان خاتون" ملقب به "خداوند جهان" زوجه علاءالدین تکش و مادر سلطان محمد خوارزمشاه است (رجبی، ۲۰۲۳). بنابراین، به تعبیری می توان گفت، نقطه ی عطف و تاریخ طلایی قدرت نمایی سیاسی زنان در ایران عصر اسلامی همزمان با قدرت یابی و افول مغولان در ایران است. از این حیث و با توجه به کثرت درگیری ها و نابسامانی های سیاسی- اجتماعی این دوره، بررسی نقش و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زنان از این منازعات سیاسی و به طور خاص، جنگ های دوره ی مغول اهمیتی بسزا دارد که می توان با بررسی دقیق در خلال آثار تاریخی بازمانده از این عصر بدان دست یافت

در این دوران، با توجه به برقراری یک حکومت جدید و گسترش فرهنگ های مختلف، زنان در نگاره ها به گونه ای متفاوت از قبل به تصویر کشیده می شوند. گاهی اوقات، زنان در کنار مردان در میدان های جنگ یا در نقش های سیاسی و اجتماعی به تصویر کشیده می شوند که قبلاً کمتر به آن ها پرداخته می شد (رجبی، ۲۰۲۳). این تغییرات می تواند نشان دهنده افزایش تأثیر زنان در برخی جنبه های اجتماعی، حتی در سطح دربار و سیاست باشد (محمدی and صبریه، ۲۰۲۲).

۲-۵- تحلیل و تأثیر جایگاه زن در نگاره های شاهنامه شاه طهماسب

دوره صفوی، به ویژه در دوران سلطنت شاه طهماسب، یکی از دوران های طلایی در تاریخ هنر ایران به شمار می رود. این دوره شاهد شکوفایی و تحول در بسیاری از جنبه های فرهنگی، هنری و اجتماعی ایران بود و در هنر مینیاتور، به ویژه در نگاره های شاهنامه شاه طهماسبی، تغییرات عمده ای در نحوه نمایش شخصیت ها، به ویژه زنان، مشاهده می شود. شاهنامه شاه طهماسبی به عنوان یکی از شاهکارهای هنری و مذهبی این دوران، نه تنها از لحاظ تکنیک های مینیاتور بلکه از لحاظ محتوا و مفاهیم، تأثیرات عمیقی بر هنر و فرهنگ ایران گذاشته است. در این مجموعه، نگارگران برجسته ای همچون رضا عباسی و تیمور بیک، به خلق آثار بی نظیری پرداخته اند که نه تنها داستان های حماسی شاهنامه را روایت می کنند بلکه جنبه های مختلف اجتماعی و فرهنگی دوران صفوی را نیز به نمایش می گذارند.



یکی از مهم ترین ویژگی های نگاره های شاهنامه شاه طهماسبی، توجه به نقش و جایگاه زنان است. در این دوره، به ویژه در مقایسه با دوره های پیشین مانند تیموری و مغولی، شاهد تغییرات قابل توجهی در نحوه نمایش زنان در نگاره ها هستیم. زنان در نگاره های شاهنامه شاه طهماسبی نه تنها در نقش های خانوادگی و حمایتی به تصویر کشیده می شوند، بلکه در برخی موارد نقش های قدرتمندتر، سیاسی تر و فعال تری نیز دارند. این تغییرات نشان دهنده تحول نگرش اجتماعی و فرهنگی به زنان در این دوره است که تأثیرات عمیقی بر هنر و تصویرسازی های آن زمان گذاشته است (غضنفری et al., 2017).



تصویر ۸- پوشش زنان در دوره صفوی

شاردن درباره وضعیت پوشاک زنان در دوره شاه سلیمان صفوی می نویسد: شاهزاده خانم هایی که از دودمان شاهی می باشند این امتیاز را دارند که می توانند خنجر بر کمر خویش ببندند. زنان سر خویش را کاملاً می پوشانند و از روی آن چارقدی دارند که به شانه شان می رسد. هنگامی که می خواهند از خانه بیرون روند، از روی همه ملبوسات، حجاب سفید بلندی می پوشند که از سر تا پایین و صورتشان را مستور می کند و به طور کلی جز مردمک ساده چیزی مرئی نمی گردد.

عموماً زنان چهار حجاب دارند: دو تا در خانه به سر می کنند و دو دیگر را هنگام خروج از منزل بر روی آنها می افزایند. نخست روسری است که برای آرایش تا پشت بدن آویزان است. دوم چارقد است که از زیر ذقن می گذرد و سینه را می پوشاند. سوم حجاب سفیدی است که تمام بدن را مستور می کند و چهارم به شکل دستمالی است که بر روی صورت نهند و مخصوص مساجد و معابد

می‌باشد. این دستمال یا حجاب شبکه‌ای مانند دستباف نیم‌دار یا توری در مقابل چشمان دارد که برای دیدن تعبیه شده است. پای‌افزار مردان و زنان در ایران همگی یکسان است و هیچ‌گونه فرقی وجود ندارد (شاردن، ۱۳۳۵).

در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی، زنان به‌طور چشمگیری از حالت‌های سنتی و منفعل خارج شده و به‌عنوان شخصیت‌هایی فعال و پیچیده‌تر از گذشته در کنار مردان حضور پیدا می‌کنند. در برخی از نگاره‌ها، زنان نه تنها در نقش‌های مادرانه و همسری، بلکه در قالب شخصیت‌های شجاع، فرماندهان جنگی و حتی رهبران سیاسی به تصویر کشیده شده‌اند (جعفرپور and نوری‌مجیدی، ۲۰۰۶). این تصویرسازی‌ها بازتاب‌دهنده تغییرات اجتماعی و فرهنگی در دوران صفوی است، زمانی که به‌تدریج نقش زنان در عرصه‌های عمومی و سیاسی افزایش یافت.

تحول در تصویرسازی زنان در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های هنری این دوره قابل توجه است. هنرمندان این دوره سعی کرده‌اند تا زنان را نه تنها به‌عنوان نمادهای زیبایی و نجابت، بلکه به‌عنوان شخصیت‌هایی با ویژگی‌های انسانی پیچیده به نمایش بگذارند. در برخی از نگاره‌ها، زنان حتی در نقش‌های رهبری و حکومتی ظاهر می‌شوند و در کنار مردان در صحنه‌های جنگ یا دربار حضور دارند (غضنفری et al., 2017). این تحول در تصویرسازی زنان در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی نشان‌دهنده یک تغییر اساسی در نگرش اجتماعی به زنان است که در هنر آن زمان بازتاب یافته است.



تصویر ۹- دیتیل از نگاره، شاهنامه شاه طهماسب، کتبی: ۲۰۱۱، ۱۲۸۰

هدف این تحقیق، تحلیل جایگاه زنان در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی و تأثیرات این تصویرسازی‌ها بر جایگاه اجتماعی و فرهنگی زنان در دوران صفوی است. این مقاله به‌دنبال بررسی این نکته است که چگونه هنرمندان این دوره تلاش کرده‌اند تا زنان را به‌عنوان شخصیت‌هایی فعال و پیچیده در کنار مردان به تصویر بکشند و چگونه این تغییرات در نگرش به زنان، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، با تحولات فرهنگی و سیاسی دوران صفوی ارتباط دارد. در این راستا، نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی به‌عنوان منبعی مهم برای تحلیل تحولات نگرش به زنان در دوره صفوی و تأثیرات آن بر هنر مینیاتور ایرانی در نظر گرفته می‌شوند.

در نهایت، این تحلیل می‌تواند به درک بهتری از جایگاه زنان در تاریخ هنر ایرانی و چگونگی تغییر نگرش‌ها به آن‌ها در گذر زمان کمک کند. همچنین، این پژوهش می‌تواند ابعاد جدیدی از تأثیر هنر و تحولات اجتماعی در عرصه تصویرسازی‌های هنری را در دوران صفوی روشن کند.

۲-۵- دلایل اهمیت حضور زنان در نگاره‌های شاهنامه

– بازتاب جایگاه اجتماعی زن در هر دوره تاریخی

نگاره‌ها با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی زمان خلقشان، دیدگاه حاکم نسبت به نقش زن در خانواده، اجتماع، سیاست و فرهنگ را بازتاب می‌دهند. از این رو، حضور یا عدم‌حضور زنان، و نیز نوع نمایش آن‌ها (فعال منفعل، زیبا شناختی یا نقش‌آفرین) نشانه‌ای از نگرش جامعه به زن است.

– نمایش نقش‌های متنوع زنان در متون ادبی و اسطوره‌ای

شاهنامه برخلاف آنچه گاه تصور می‌شود، شخصیت‌های زن قوی و تأثیرگذاری نیز دارد؛ مانند گردآفرید، تهمینه و رودابه. بررسی اینکه نگارگران چگونه این زنان را به تصویر کشیده‌اند، نشان می‌دهد تا چه اندازه هنرمندان دوره‌های مختلف به ظرفیت‌های روایی و قدرت زنان در داستان‌ها توجه داشته‌اند یا آن‌ها را سانسور یا کم‌رنگ کرده‌اند.

– ارزیابی تحول فرهنگی در تصویرگری زن از دوره‌ای به دوره دیگر

مقایسه نگاره‌های مربوط به زنان در شاهنامه‌های بایسنقری، مغولی و شاه طهماسبی، امکان بررسی سیر تحول تدریجی نگاه به زن را از نقش‌های سنتی و محدود به نقش‌های پیچیده‌تر و گاه مستقل فراهم می‌سازد.

۲-۶- مقایسه ویژگی‌های زنان در سه نگاره مورد مطالعه

در این بخش ویژگی‌های بارز زنان در سه نگاره‌ی شاهنامه مغولی، بایسنقری و شاه طهماسبی بیان شده است (جدول ۱)

جدول ۱- ویژگی‌های بارز زنان در سه نگاره‌ی شاهنامه مغولی، بایسنقری و شاه طهماسبی

نوع شاهنامه	قرن	ویژگی‌های بارز	صورت‌بندی بدن و چهره	نقش و موقعیت اجتماعی - بصری	نمونه تحلیل
شاهنامه مغولی	قرون ۷ و ۸ هجری / ۱۳ و ۱۴ میلادی	تحت تأثیر هنر چینی، بودایی و مفاهیم تصویرسازی شرق دور قرار دارند. در این نگاره‌ها، زنان اغلب در فضاهایی رازآلود، پرزرق‌وبرق و گاه آرمانی به نگارش درآمده‌اند	زنان چهره‌ای کشیده، بدن‌هایی نرم و اغلب در حالتی ساکن و مراقبه‌گونه دارند. پوشش آنان متأثر از عناصر چینی، پر نقش‌ونگار و گاه فراتر از عرف ایرانی اسلامی	زنان در این نگاره‌ها گاه مرکز صحنه نیستند، اما حضورشان معنایی فراتر از روایت دارند؛ نمادی از زیبایی، غیبت، و مرز میان زمین و آسمان است.	در صحنه دیدار رستم و ته‌مین، ته‌مین در فضایی مه‌آلود و جدا از رستم نشان داده شده که به جای تعامل مستقیم، نوعی حس مراقبه یا قربانی دارد. این ترکیب نشان‌دهنده نوعی نگاه مرموز و نیمه‌افسانه‌ای به زن است.
شاهنامه بایسنقری	قرن ۹ هجری / ۱۵ میلادی	نسخه بایسنقری که در دربار تیموری هرات به تصویر درآمده، بیانگر سبکی منسجم، کلاسیک و درباری در نگارگری ایرانی است. در این نسخه زنان اغلب در نقش‌های حاشیه‌ای یا وابسته ظاهر می‌شوند.	پوشش کامل، آرایش محدود، استفاده از رنگ‌های اصیل ایرانی (لاجورد، زر، صورتی کمرنگ) و پرهیز از زیاده‌روی	زنان بیشتر در نقش مادر، همسر یا واسطه ظاهر می‌شوند. برخلاف نگاره‌های مغولی، نگاه به زن در این دوره کمتر رازآلود و بیشتر اخلاق‌مدار و در چارچوب عرف اسلامی است.	در صحنه تولد سهراب، رودابه در مرکز قرار دارد، اما نه به‌عنوان کنش‌گر بلکه در مقام پذیرنده‌ی سرنوشت. این بازنمایی، بیانگر جایگاه نمادین زن به‌مثابه مادر و عامل پیوند نسل‌هاست.
شاهنامه شاه طهماسبی	قرن ۱۰ هجری / ۱۶ میلادی	این نسخه، شاهکار نگارگری صفوی است و در آن اوج سبک تذهیب و ترکیب‌بندی بصری به چشم می‌خورد. در این نگاره‌ها زنان با ظرافت و جزئی‌نگری فوق‌العاده تصویر شده‌اند. حضور زن در این دوره، گرچه محدودتر از دو نسخه پیشین است، اما کیفیت تصویرسازی آن‌ها بسیار بالا و معنادار است.	حالات چهره، فرم بدن، پوشش و زیورآلات، گویای جایگاه خاص آنان به‌عنوان نماد زیبایی، اشرافیت و تعلق به جهان روحانی است.	زنان اغلب در فضاهای بسته و اندرونی به تصویر کشیده شده‌اند	در صحنه ملاقات رستم با ته‌مین، برخلاف نسخه بایسنقری، ته‌مین نه تنها کنش‌گر که فاعل اصلی صحنه است. او با حرکتی نرم و جسورانه در برابر رستم ظاهر می‌شود، ترکیب‌بندی تصویر بر توازن نگاه دو شخصیت و عمق عاطفی آن متمرکز است.

۳- نتیجه‌گیری

در ادبیات ملل مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به شخصیت زنان وجود دارد. حضور زن در آثار هنری، لطافت خاصی به آنها می‌بخشد. در ادبیات ایرانی، سروده‌های حماسی از سابقه‌ای دیرین برخوردارند. زنانی که فردوسی به توصیف آنها در شاهنامه پرداخته است، نسبت به زنان عصر خود شاخص ترند و در حماسه عشق حرف اول را می‌زنند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که در نسخه مغولی شاهنامه، زنان عمدتاً در موقعیت‌های محدود حضور یافته و معمولاً به عنوان عناصر پشتیبان روایت‌های مردانه تصویر شده‌اند. اما در نگاره‌های نسخه بایسنقری، زنان حضوری فعال‌تر یافته و در ترکیب‌بندی نقش برجسته‌ای دارند؛ برخی از تصاویر جلوه‌های نمادین خاصی از زنان را نشان می‌دهند. در نسخه شاه‌طهماسب، بازنمایی زنان به‌گونه‌ای ایده‌آل شده و با تأکید بر زیبایی‌شناسی دوره صفوی ترسیم شده است که بیانگر تحولات اجتماعی و سلیقه‌های هنری آن دوره است. در این دوره، به‌ویژه در مقایسه با دوره‌های پیشین مانند تیموری و مغولی، شاهد تغییرات قابل توجهی در نحوه نمایش زنان در نگاره‌ها هستیم. زنان در نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی نه تنها در نقش‌های خانوادگی و حمایتی به تصویر کشیده می‌شوند، بلکه در برخی موارد نقش‌های قدرتمندتر، سیاسی‌تر و فعال‌تری نیز دارند. از نسخه‌ی مغولی (نقش‌های محدود و پشتیبان) تا نسخه‌ی بایسنقری (حضور فعال و نمادین) و شاه‌طهماسبی (ایده‌آل‌سازی و نقش‌های سیاسی)، شاهد تکامل تدریجی جایگاه زنان هستیم که از ابژه‌های

انفعالی به سوژه‌های تأثیرگذار تبدیل شده‌اند. این تغییرات نه تنها تحول سلیقه‌های هنری، بلکه انعکاس‌دهنده‌ی دگرگونی‌های ساختاری جامعه‌ی ایرانی (به‌ویژه در دوره‌ی صفوی) در نگرش به توانمندی‌ها و موقعیت‌های اجتماعی زنان است. تفاوت‌های چشمگیر در بازنمایی زنان بین نسخه‌های مغولی (بیگانه)، تیموری (نمادین) و صفوی (جامع‌نگر) نشان‌دهنده‌ی نقش هنر در بازتعریف هویت ملی و جنسیتی در هر دوره‌ی تاریخی است.

منابع

- احمدی، حبیب، بذرافکن، حمیرا عربی ۲۰۱۲. بازنمایی اجتماعی شاهنامه فردوسی (بررسی هویت فرهنگی-اجتماعی نهاد خانواده ایرانیان از نگاه فردوسی). زن در فرهنگ و هنر، ۴، ۸۳-۱۰۰.
- جعفرپور، نوری مجیدی ۲۰۰۶. وضعیت پوشاک زنان در عصر صفوی با تکیه بر سفر نامه نویسان فرنگی. مسکویه، ۵، ۴۹-۶۴.
- خراسانی، ع. ن.، هادی، جویباری، ف.، پارسائی ۲۰۲۴. واکاوی و برجسته سازی صفات و شخصیت زن از نگاه فردوسی و انعکاس آن در شاهنامه بایسنقری (دو نگاره «زال و رودابه» و «دیدار اردشیر و گلنار»). مطالعات هنر اسلامی، ۱۸، ۲۳۵-۲۵۹.
- دوستی، فر. ف.، فرزانه، پور. ی. آرمان ۲۰۲۲. تبیین جایگاه زن در روایت‌های ازدواج شاهنامه تهماسبی با تکیه بر تحلیل بینامتنیت متن و نگاره. روان‌شناسی فرهنگی زن، ۱۴، ۱-۱۴.
- رجبی ۲۰۲۳. نقش و تأثیر زنان در جنگ‌های دوره‌ی مغول بر اساس تاریخ جهانگشای جویی. مطالعات تاریخی جنگ، ۷، ۳۳-۴۶.
- رضائزاد یزدی، ا.، شریعت پناهی، س. د. م.، اسد بیگی، ا. ۲۰۱۷. بررسی جایگاه اجتماعی بانوان با تأکید بر پوشش بانوان در نگاره‌های عصر تیموری. پژوهش‌نامه زنان، ۸، ۱-۳۳.
- شاردن ۱۳۳۵. سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران. امیرکبیر.
- شهرداد ۲۰۱۴. خاتون‌های شاهنامه بزرگ مغولی (تحلیل نقش و جایگاه زنان در شاهنامه بزرگ مغولی با رویکرد بازتاب). زن در فرهنگ و هنر، ۶، ۳۹۱-۴۰۸.
- شیران، ش.، حبیب، نیا، ح.، اقدام، م. نصراللهی ۲۰۲۰. مقایسه تطبیقی جایگاه زنان در مجالس موسیقی دوره تیموری و صفویه بر اساس نگاره‌های برجای مانده. زن در فرهنگ و هنر، ۱۲، ۴۳۷-۴۶۲.
- غضنفری، فاطمه‌صغری، طباطبایی ۲۰۱۷. جایگاه زن و موسیقی در عصر صفوی و بازنمود آن در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی. روان‌شناسی فرهنگی زن، ۳۱، ۵۷-۷۴.
- فر. ش.، خزایی، عبدالکریمی شهین ۲۰۱۴. بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ق) براساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت‌اورنگ جامی. زن در فرهنگ و هنر، ۶، ۱۸۹-۲۰۸.
- فلاح ۲۰۰۷. نقش زبان فارسی در یکپارچگی و وحدت ملی ایران. پژوهش‌های ادب عرفانی، ۱، ۱۳۱-۱۶۴.
- محمدی، صبریه ۲۰۲۲. نقش و جایگاه زنان مغول در دوره ایلخانی. روان‌شناسی فرهنگی زن، ۱۴، ۸۳-۹۲.
- ولادیمیر، ت. ۱۳۶۵. نظام اجتماعی مغول (فتودالیسم خانه به دوشی ترجمه شیرین بیانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یکتا، ا.، پیام، ا. رضوان ۲۰۱۴. بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامه بایسنقری و شاه طهماسبی. زن در فرهنگ و هنر، ۶، ۵۳۱-۵۵۱.